

Religious Studies

Vol. 11, No. 21, March 2023, 193-230

(DOI) 10.22034/JRR.2023.330216.1991

A Look at the Religion of the Medes Based on the Analysis of Two Neo-Babylonian Inscriptions and the Sequence of Their Kings

Surena Firuzi¹

Reza Mehrafarin², Mohammad Amin Saadatmehr³

(Received on: 2022-02-17; Accepted on: 2022-05-11)

Abstract

Various views have been proposed about the religious beliefs of the Medes. Some consider them followers of Zoroastrianism and others have the opposite opinion. This research deals with the following questions: Did different groups of the Medes have the same religion? What are the characteristics of their religion? To what extent was it akin to Zoroastrianism or the common beliefs of the people of Mesopotamia? Contrary to the views insisting on the influence of Mesopotamia worldview on the attitude of Iranians living in the western regions of the Iranian Plateau, the present study shows that based on the content of Mesopotamian documents as the first-hand written sources, Greek-language reports as the second-hand sources, and according to some cultural elements of the Medes (e.g. individual names), the dominant religion of this group of Iranian descent, on the one hand, has similarities to Zoroastrianism and on the other hand, has clear differences with Mesopotamia beliefs. The fact that the religious mentality of a group of the Medes was in complete opposition to the religious culture ruling Mesopotamia forms the foundation of the current paper.

Keywords: Medes, Zoroastrianism, Umman-manda, Assyrian, Babylonia, Nabonidus.

1. Ph.D. Graduate in Historical Archeology, Mazandaran University, Babolsar, Iran (Corresponding Author), sorena.firouz@gmail.com.

2. Professor in Historical Archeology, Mazandaran University, Babolsar, Iran, r.mehrafarin@umz.ac.ir.

3. Ph.D. Student in Historical Period Archeology, Mazandaran University, Babolsar, Iran, ma.saadatmehr@gmail.com.

نگرشی بر دین مادی‌ها بر پایه تحلیل دو نبشته نوبابلی و توالی شاهان آنها

سورنا فیروزی^۱، رضا مهرآفرین^۲

محمد امین سعادت مهر^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱]

چکیده

درباره باورهای مذهبی مادی‌ها، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. برخی اینان را پیرو کیش زرتشتی می‌دانند و گروهی دیگر، نظری مخالف آن دارند. اینکه گروه‌های مختلف مادی، آیا از دین یکسان برخوردار بوده‌اند و اینکه این دین، چه صفاتی داشته و تا چه حد به دین ایرانی زرتشتی یا به باورهای مشترک و رایج جمعیت‌های میان‌رودانی نزدیک بوده، موضوعی است که در این پژوهش بررسی می‌شود. برخلاف برخی از دیدگاه‌ها که بر تأثیر جهان بینی میان‌رودان بر نگرش ایرانی تباران ساکن مناطق غربی فلات ایران پافشاری می‌کنند، در پژوهش پیش رو دیده شد که چه بر مبنای محتوای منابع مکتوب دست اول که سندهای میان‌رودانی هستند و چه پیرو گزارش‌های یونانی‌زبان که منابع دست دوم محسوب می‌شوند و چه بر اساس برخی عناصر فرهنگی خود مادی‌ها (مانند نام‌های فردی)، دین غالب این گروه جمعیتی ایرانی تبار، از یک سو، علائمی از نزدیکی به دین زرتشتی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، تفاوت‌هایی آشکار با باورهای میان‌رودانی را بیان می‌کند. اینکه ذهنیت مذهبی بخشی از مادی‌ها، در ضدیت کامل با فرهنگ دینی حاکم بر میان‌رودان بوده است، بنیاد نوشته کنونی را تشکیل می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ماد، زرتشتی، اوْمَن - مَند، آشور، بابل، نبونئید.

۱. دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دوره تاریخی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

Sorena.firouz@gmail.com

۲. استاد باستان‌شناسی دوره تاریخی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران r.mehrafarin@umz.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره تاریخی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران Ma.saadatmehr@gmail.com

مقدمه

جمعیت مادی، گروهی از جمعیت های ایرانی تبار بوده اند که دست کم از هزاره یکم پیش از میلاد، در گستره ای از کوه بیکنی (-97: Grayson, 1996: 281; Luckenbill, 1926: 281; تا (98: Tadmor & Yamada, 2011: 98; Frame, 2021: 140, 158, 173, 175, 177, etc) دست کم حدود «کیشسیم» (Kišesim) (واقع در ماهی دشت (18 & 16: Diakonoff, 1991: 16 & 18)، شمال کنگاور (333f: Galter, 2014: 444f.; Radner, 2013: 444f.)، میان سرپل ذهاب و گاربنده (25: Tourovets, 2015: 25) و حتی توپسرکان) پراکندگی داشته اند. نام این مردمان و قلمروشان در متون گوناگون به صورت های مختلف آمده است:

۱. در دوره آشور نو: به صورت سرزمین «آمد» (لغوی: به مفهوم سرزمین مادی (ها)؛ KUR.a-ma-da-a-a) در کتیبه ای از شلمانسر سوم (68: Grayson, 1996: 68)؛ به صورت «مد» (لغوی: سرزمین مادی (ها)؛ KUR.ma-da-a-a; KUR.mada-a-a) در کتیبه ای از «آد-ناراری» سوم، در کتیبه هایی از تیگلات-پیلسر سوم، در کتیبه هایی از اسرحدون (212: Grayson, 1996: 212; Tadmor & Yamada, 2011: 32, 48, 52, 53, 72, 84, 86, 97, 98, etc.; Leichty, 2011: 20, 32, 39, 43, 50, etc)؛ به صورت «مد» (لغوی: مادی؛ mad-a-a) در کتیبه هایی از آشوربانی پال (170 & 123 & 89: 65: Novotny & Jeffers, 2018: 65, 89, 123 & 170)، به صورت «مت» (لغوی: سرزمین مادی (ها)؛ KUR.ma-ta-a-a) در کتیبه ای از آشوربانی پال (291: Ibid.) و به صورت «مند» (لغوی سرزمین مادی (ها)؛ KUR.man-da-a-a) در دو کتیبه از سارگن دوم آشوری (68 & 93: Frame, 2021: 68 & 93). در کنار این نبشته های شاهانه، در برخی از «پرس و جونا مه ها» (Queries) نیز که مرتبط با روزگار سلطنت اسرحدون هستند، به هویت مادی ها به صورت ma-da-a-a اشاره شده است (46-82: Starr, 1990: 46-82).

۲. در نبشته های روزگار نوبابلی: «مد» (لغوی: قلمرو مادی (ها)؛ matma-da-a-a) در (Gadd, 1923: 33)، «اومَن-مند» (um-man-ma-an-da/umman-man-da) در لوح سقوط نینوا و

در سنگ یادبود بازالتی نبونئید (Wei-) (Gadd, 1923: 34, 35, 36 & 38; Adali, 2009: 192; ershäuser & Novotny, 2020: 62)، «ارین-مند» (ÉRIN/M-man-da) در استوانه سیپتر از نبونئید (Adali, 2009: 2009, 189: 193 & 194)، «ارین-مندو» (ÉRIN/M-man-du) در همان سنگ یادبود و سنگ یادبود بابل (Adali, 2009: 193; Weiershäuser & Novotny, 2020: 70).

۳. در استوانه کوروش بزرگ به پیروی از ادبیات دوران نوبابلی: «اوَمَن-مند» (um-man-man-da) در (Adali, 2009: 211).

۴. در تورات: پیدایش، ۲: ۱۰؛ پادشاهان ۲، ۶: ۱۷ و ۱۱: ۱۸؛ اشعیا ۱۳: ۱۷؛ عزرا، ۶: ۲؛ استر، ۱: ۳، ۱۴، ۱۸ و ۱۹؛ دانیال، ۵: ۲۸، ۵: ۳۱، ۹: ۱ و ۱۱: ۱. معروف‌ترین اشاره به این سرزمین در تورات، به صورت «مادای» (Madai) است.

۵. همچنین، به این نمونه‌ها نیز می‌توان اشاره کرد: «ماد» (māda) در پارسی قدیم، «مَد» (ma-) (da) در ایلامی روزگار هخامنشی (در برخی از الواح به صورت ma-ad-da، ma-da(-be)، (ma-taš) «مَد» (ma-da-a-a) در اکدی روزگار نوبابلی (در برخی از الواح و کتیبه‌های دیگر به صورت ma-da-a-a، mad-da-a-a و mádad-da-a-a)، «م/ادی» (mdy) در آرامی، mede در زبان لیکایی، در هیروگلیف M'-d-y و در دیموتیک مصری، Mdy (Tavernier, 2007: 27, 61, 72-73).

از شهرها و نیز شماری نام‌های فردی نیز در متون مذکور یاد شده است که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

فرضیه و پرسش‌های پیش رو

پژوهش حاضر در پی بررسی این موضوع است که با توجه به مجاورت جمعیت‌های مختلف مادى با میان‌رودان، به‌ویژه سکونتگاه‌های غربی این مردمان در زاگرس مرکزی، آیا آنها نیز همانند بسیاری از همسایگان‌شان، تحت تأثیر باورهای دینی آن گهواره تمدن قرار

گرفته بودند یا پیرو باورها و جهان بینی بومی و خاص تبار خود زندگی می کردند. بر این پایه، پیگیری پاسخ های دو پرسش زیر، بنیاد پژوهش پیش رو را تشکیل می دهد:

۱. توانمندی نشر فرهنگ های دینی میان رودانی تا چه اندازه توانسته بود بر بستر سکونتگاه ها و جوامع مادی تبار اثر گذاشته باشد؟

۲. نزد جمعیت های مادی، تا چه اندازه فرهنگی ایرانی با نفوذ پذیری نیرومندی وجود داشته است که در برابر باورهای مذهبی میان رودانی ایستادگی کند؟

روش شناسی تحقیق

در این مطالعه، بنیاد کار بر استخراج داده های مرتبط با جهان بینی و مؤلفه های دینی مادی ها از متون میان رودانی، یونانی و نیز کتیبه داریوش بزرگ در بیستون نهاده شده است. در گام بعدی، این داده ها، تحلیل، و با محتوای کلی مذاهب حاکم بر میان رودان در هزاره یکم پیش از میلاد و اساس دین زرتشتی مندرج در اوستا و نیز توصیف یونانیان، بررسی مقایسه ای می شود.

پیشینه پژوهش

درباره چیستی و ماهیت جهان بینی و دین مردمان مادی که موضوع مقاله است، تاکنون کتاب ها و مقالات پُرآوازه ای در حوزه ایران شناسی منتشر شده است. مهم ترین آنها به شرح زیر است:

هرتل، مغان مادی را پیروان دیوان دانسته که در ظاهر زرتشتی شده بودند، ولی در جهت آسیب زدن به آن عمل می کردند (Hertel, 1924). هرتسفلد، نه مغان را قبیله می دانست و نه کیش آنها را زرتشتی می شناخت (Hertzfeld, 1968: 301). دوشن-گیمن، مغان را پیروان خدای میترا توصیف کرده و آنها را زرتشتی ندانسته است (Duchesne-Guillemin, 1974):

20). دیاکونوف بر این نظر پافشاری کرده که کیش سرزمین‌های غربی ماد قدیم، از نوع دین حوری‌ها بوده و تا حدی با کیش آشوریان شباهت داشته است. در ادامه، نوشته است که کیش مادی‌های شرقی ممکن است مزدایی یا زرتشتی بوده باشد و البته آن را هم قطعی نمی‌داند، اما روی هم رفته، به تفاوت میان نام‌های مادی‌ها در سده‌های نهم تا هفتم پیش از میلاد و نام‌هایشان پس از این دوره اشاره کرده است و در این میان، نمونه‌های مرتبط با سده ششم پیش از میلاد را مرتبط با کیش زرتشتی و مغان مادی را نیز نخستین پیروان کیش زرتشتی معرفی می‌کند (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۴۵۹-۴۵۶ و ۴۶۶). نیبرگ با وجود اقرار به رواج مُرده‌سپاری به شیوه آیین زرتشتی نزد مادی‌ها، مطلقاً آنها را زرتشتی ندانسته است (نیبرگ، ۱۳۸۳: ۳۵۶-۳۵۵)؛ زنر، زرتشتی بودن مغان را پذیرفته، اما نوع کیش را تغییر یافته آموزه‌های زرتشت می‌خواند. البته او گسترش این کیش در غرب فلات ایران را هم کمابیش محدود به بخشی از همین مغان ارزیابی می‌کند (زنر، ۱۳۸۴: ۲۳۹ و ۲۴۸). بیوار نیز به وجود کیشی با نام میترائیسم (Mithraism) نزد مادی‌ها اعتقاد دارد و حتی ریشه آن کیش میتراپی را یج در روم را از غرب ایران و از سرزمین‌های مادی می‌داند (Bivar, 2005, 343). علی‌یف کیش مغان را در جایگاه کاهنان جامعه زرتشتی می‌داند و رواج دین زرتشتی در قلمرو ماد را پذیرفته است (علی‌یف، ۱۳۸۸: ۴۱۳).

وارسی نام‌های فردی

مطالعه معنای «نام‌های فردی» (Antroponymy)، می‌تواند به ایجاد دریافتی بهتر از ذهنیت مذهبی و جهان‌بینی جمعیت دارای آن نام‌ها کمک کند. در نبشته‌های آشوری، چند نام فردی مرتبط با مادی‌ها دیده می‌شود که صورت ظاهر آن نام‌ها با دو خدای ایرانی و ثبت شده در متون اوستایی سنجش پذیر است. یکی از این نام‌ها ma-áš-dak-ka و متعلق به فرمانروای شهر آرتیشْت (URU.a-ra-ti-iš-ta) است که در نبشته‌ای از سارگن دوم نوآشوری

از او یاد شده و مرتبط با سال ۷۱۶ پ.م. بوده است (Levine, 1972: II/58; Zadok, 2002: 127). دو سال پس از این تاریخ، به این فرد به صورت *ma-áš-dak-ku*، اهل شهر آرتیستی (URU.a-rat-is!-ti) اشاره شده است (Thureau-Dangin, 1912: 49; Zadok, 2002: 127). دگربار و در سال ۷۱۱ پ.م.، از همین شخصیت به صورت *ma[á]š-dúk-ku* اهل آرتیست (URU.a-[ra]t-is!-ta) یاد شده است (Fuchs, 1998: VIb: 28; Zadok, 2002: 127). نام دوم، متعلق به فرمانروای شهری به نام «آندیرپتی آنو» (URU.an-dir-pa-ti-a-nu) است که مشابه یکی از صورت‌های نام فرمانروای قبلی و به صورت *ma-áš-dak-ku*، از سوی همان شاه آشوری ثبت شده است (Thureau-Dangin, 1912: 48; Zadok, 2002: 114). نام سوم، به صورت *ma-áš-da-A+A-uk-ku* و از آن فرمانروای شهری به نام «کینگرکو» (URU.ki-in-ga-ra-ku) است که احتمالاً در حدود «خرخر» (*ḫar-ḫar*) واقع بوده است (Thureau-Dangin, 1912: 45; Zadok, 2002: 125; Marioni, 2014: 218f.; Bagg, 2020: I/341).

فریم نام‌های بالا را به این صورت آورده است (Frame, 2021: 281, 365 & 452):
 از *a-ma-ak-ki*، *ma-áš-dak-ku* از *ki-in-ga-ra-ku*، *ma--áš-da-ku* از *ma-áš-da-a+a-uk-ku*
 یا *an-dir-pa-ti-a-nu*، *ma-áš-dak-ka* از *ma-áš-dak-ka* یا *a-rat-is-ti* یا *?a-ra-ti-iš*.
 لاکنبیل نیز به *Mashdaiukku* فرمانروای «کینگرکو» (*Mashdaku*)، *Kingaraku* فرمانروای شهر «آمگی» (*Mashdakku*)، «*Amakki*» فرمانروای «آندیرپتی آنو» (*Andirpatianu*)، *Mashdakku* فرمانروای «آردپتی» (*Aradpati*) و *Mashduku* فرمانروای سرزمین «آمیست» (*Ameista*) اشاره کرده است (Luckenbill, 1927: 76 & 104).
 با قیاس صورت نگارشی بخشی از این نام‌ها با نام خدای ثبت شده (*das-sa-radma-z/ša-*) (*áš*) در نبشته‌ای از آشوربانی پال (Ungad, ۱۹۴۳: ۱۹۶) که متعلق به میانه سده هفتم پیش از میلاد بوده، به حرمت و ستایش این خدا در کنار خدایان دیگر اشاره شده است:

19. dia-ab-ri-tú²⁰. deb-la-i-tu²¹. dqa-al-da-i-tu²². dbêlat-šar-be²³. dqa-at-ra-bu-tu²⁴. das-sa-ra dma-z/ša-áš²⁵. digege ilâni meššamêe²⁶. da-nun-na-ki ilâni meš šâ eršetimtim²⁷. Šutu iltânu šadû amurrû

(^{۱۹}) از ای ییرو (^{۲۰}) از الب (در شمال سوریه امروزی) (^{۲۱}) از ک/قَلَدَ (کلده ؟) (^{۲۲}) دلبرِ خدای بانو بعلیت (؟) (^{۲۳}) دستِ بزرگ (^{۲۴}) خدای اَسَرَ خدای مَز/صاش (^{۲۵}) خدایان ایگیگی، خدایان آسمان (^{۲۶}) خدایان انونکی، خدایان جهان زیرین (^{۲۷}) جنوب، شمال، شرق، غرب) (Ibid).

چنان‌که دیده می‌شود، از محتوای این کتیبه می‌توان دریافت که در آن حدود زمانی (اواخر سده ۸ پ.م. و تمامی سده ۷ پ.م.)، در میان جمعیت‌هایی از ایرانی‌تباران در غرب فلات ایران، پرستش آهورمزدا، این خدای برتر زرتشتی یا به عبارت بهتر، خدای خدایان این کیش رواج داشته است که از سوی دربار آشور، در کنار دیگر خدایان، محترم واقع شده بود. البته و احتمالاً در اثر اشتباه کاتب آشوری و شناخت ناقص او از نام دوازده‌ای این خدا، در آن کتیبه، دو بار نشان‌واژه خدا (خدایا اَسَرَ خدایمَز/صَش) به کار رفته است. روی هم رفته، با در نظر گرفتن جایگاه محترم خدای مذکور نزد دربار آشوربانی‌پال، انتظار این است که بنیاد این نام، صورت غرب‌فلاتی از نام خدای ایرانی آهورمزدا باشد که مشابه نام هوخشتر در کتیبه‌های سارگن دوم، در مسیر آوایی اکدی تحریف شده است.

البته اونگناد، این بحث را مطرح کرده که وجود هجای s به جای h، جغرافیای اقتباس این خدا از سوی آشوریان را با مشکل مواجه می‌کند، زیرا در متن‌های اوستا و کتیبه‌های فارسی باستان، «اسور» و «اسَرَ» نداریم، بلکه «اسور» در سنسکریت، برابر با «آهور» در اوستا و «اُور» در پارسی قدیم است. اونگناد این رانیز بیان کرده است که مرجع این نام، یا مادی‌ها بوده‌اند یا اهالی میتنی و در صورت درستی فرض دوم، این نام مرتبط با خدای زرتشتیان نیست. همچنان‌که خود او نوشته است، در این قسمت، دو بار نشانه خدا آمده و این از دید او، به معنای اشاره به دو خدا است (Un-

، این در حالی است که هیچ ردی از خدایی مرتبط با نام مزدا (Mazda)،
 مزدا (Mazdā)، مز/صش (ma-z/ša-š) و مشابه آن در فرهنگ های ودایی، اوستایی و میتانیایی
 وجود ندارد. از این رو، این مسئله از دید نگارندگان این مقاله، صرفاً اشتباه دربار یا کاتب آشوری و
 برآمده از جداسازی دو پاره از نام یک خدا بوده است؛ خدایی که مستندات، آن را به دین زرتشتی
 مرتبط می کند. همچنان که در خط ۲۴ این لوح دیده می شود، آوایی از نام خدای زرتشتیان همراه
 با نشانه خدایی (DINGIR) دیده می شود که نشان می دهد آموزه های زرتشتی، در سده هفتم
 پیش از میلاد، به میان جمعیت های غرب فلات ایران رسیده بود، تا جایی که شاه آشور آن را در
 تراز خدایان میان رودانی نام برده است. بدین سان و با توجه به نبود هیچ جایگزینی کهن تر از کیش
 زرتشت برای انتساب آهورمزدا به آن کیش، باید پذیرفت که زمان زندگانی زرتشت، نه تنها پیش از
 کوروش دوم، بلکه دست کم می بایست هم عصر یا پیش از روزگار آشوربانی پال (۶۳۱-۶۶۸ پ.م.)
 بوده باشد. اما این دیرینگی نمی توانسته قدیمی تر یا هم عصر زمانی باشد که بخش ریگ و داد را آن
 تاریخ نوشته شده باشد. به طور کلی، تاریخ سرایش ریگ و دارامیان قرون چهاردهم تا دوازدهم پیش
 از میلاد برآورد کرده اند، اما زمان ممکن برای ایجاد زمینه نگارش این سروده ها، دوران حاکمیت
 سلسله کورو (حدود ۱۰۰۰ پ.م.) و در نتیجه به زبان این روزگار بوده است (نک: Parpola, 2015: 92 & 146).
 از سوی دیگر، مطابق با یکی از برآوردها، زمان سرایش یشت های «کهن» از اوستا،
 سده پنجم پیش از میلاد، پیشنهاد شده است (Boyce, 1975: 20f.n) که هرچند قطعی نیست،
 اما می تواند مرتبط با همان نیایش هایی باشد که به گفته هردوت، مغان در هنگام برگزاری آیین
 قربانی می خوانده اند (Herodotus, I: 132). توجه به نام شهر بیت-بگی (Bīt-ba-ga-ia؛ خانه بغ
 ؟) در کتیبه های سارگن دوم (Frame, 2021: 144 & 202) که با توجه به حدود جغرافیایی آن،
 می تواند همان بگستن (Bagastana) یا بیستون بوده باشد و اینکه دیودور این کوه را ویژه ژئوس
 (برابر آهورمزدا) دانسته است (Diodorus, II: 13)، برابری بگ در نام یاد شده و آهورمزدا و رواج
 پرستش آن در بخشی از زاگرس مرکزی مرتبط با اواخر سده هشتم پیش از میلاد را تداعی می کند.

در ادامه نام‌های فردی مادی در پیوند با اسامی خدایان ایرانی، نام mi-it-ra-ku هم به چشم می‌خورد که از آن فرمانروای شهری به نام «اوپری‌ا» (URU.ú-pa-ri-a) بوده و مرتبط با سال ۷۳۷ پ.م. و روزگار تیگلات-پیلسر سوم است (Zadok, ۲۰۰۲: ۱۲۷). نکته مهم اینکه نام خدای میتراگرچه در اوستا آمده و حتی برایش، یک سروده ویژه و اختصاصی به نام مهریشت هم وجود دارد (نک.: اوستا، ۱۳۷۹: ۳۸۸/۱-۳۵۳)، اما برخلاف خدای آهورمزدا، خدای میترا در نبشته‌های کهن‌تر از روزگار ظهور کیش زرتشتی به صورت mi-it-ra در دو پیمان نامه میان دو قدرت هیتی و میتنی با نام KBo I 1 Vo 54-55 و KBo I 3 Vo 24 (سده ۱۴ پ.م.) و در ماندلای دهم (Rigveda 10: 125.1bc) از وداها به صورت mitrā (دست‌کم سده ۱۱ پ.م.) نیز دیده می‌شود (Fournet, 2010: 2-3, 5 & 10)، از این رو، این خدا ویژه دین زرتشتی به شمار نمی‌آید و در نتیجه ارتباط مستقیمی با زرتشتی بودن صاحب نام ندارد.

ارتباط زمان زرتشت، تحولات فرهنگ یاز IIA و ظهور نام‌های مَشَدَكْ / مَشَدَكُو / مَشَدُوگُو /

مَشَدای یگو در کتیبه‌های سارگن دوم

پژوهش‌های باستان‌شناسی در آسیای مرکزی و شمال افغانستان از بروز نوعی دگرذیسی فرهنگی عقیدتی بزرگ در عصر آهن محوطه‌های این مناطق حکایت می‌کند. با ورود به دوره نخست فرهنگ مذکور که با نام یاز (Yaz) شناخته می‌شود، سنت تدفین چاله‌ای به یکباره رو به کاهش و محو شدن می‌گذارد و در برابر آیین دخمه‌کردن و تدفینی که اصطلاحاً آسمانی (sky burial) نام دارد، فراگیر می‌شود. مطابق با محتوای متون زرتشتی و بر مبنای مطالعات قیاسی میان داده میدانی و داده منابع مکتوب، بندیزو-سارمینتو (Bendezu-Sarmiento) و لویلیه (Lhuillier)، این دوره از فرهنگ عصر آهن منطقه راه‌مخوان با ظهور فرهنگ زرتشتی دانستند (Bendezu-Sarmiento & Lhuillier, 2015)، ولی بُرُفکا (Boroffka) و اِسورچکف (Sverchkov)، با واریسی جزئی‌تر تحولات فرهنگی ادوار سه‌گانه یاز، این ظهور را مرتبط با مرز

فاز A و B از دوره دوم یاز (سده ۸ پ.م.) معرفی کرده‌اند (Boroffka & Sverchikov, 2013). نویسندگان این مقاله نیز به چند دلیل با برفکا هم نظرند. در جایگاه مهم‌ترین دلیل، وقتی اردشیر بابکان پس از تاج‌گذاری، به محتوای اسناد بایگانی شده دربار پیشین نگریست، مطلع شد میان او و سال نخست هزاره‌ای که روزگار او در آن قرار گرفته است، کمتر از هزار سال، ولی نزدیک به آن مقدار فاصله وجود دارد (مسعودی، ۱۳۸۶: ۹۱-۹۲). طبق جهان بینی زرتشتی، سال نخست این هزاره که در انتهایش، پیش بینی بروز آشوب شده، سال ورود زرتشت در ۴۲ سالگی به دربار کی ویشتاسپ بلخی در سال سی ام از حکومت او گزارش شده است (طبری، ۱۳۵۳: ۲/۴۷۷ و ۴۸۱؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۱؛ گزیده‌های زادسپرم، ۱۳۶۶: ۳۶؛ بندهش، ۱۳۸۰: ۱۳۹). با در نظر گرفتن گاه‌نگاری عصر اردشیر بابکان (سده سوم میلادی)، واقعه مرتبط با ورود زرتشت و معرفی کیش او طبق منبع مذهبی، مطابق با سده هشتم پیش از میلاد و برابر با نتایج تحقیقات میدانی برفکامی شود که بر مبنای دگردیسی‌های فرهنگی بیان شده است.

از سوی دیگر، با وجود رواج سنت دخمه‌کردن در دوره اول یاز، هنوز آتشدان‌ها چون نمونه‌های به دست آمده در معبد جاركوتان، واقع در محوطه‌ای به همین نام در جنوب ازبکستان که نزدیک یا حتی منطبق به جغرافیای اساطیری خاستگاه کیش زرتشتی بوده است، پذیرای فدیة‌های به آتش سپرده، به ویژه بقایای استخوانی، بوده‌اند (Shenkar, 2006: 170) و می‌دانیم به آتش افکندن هر چه آن را بیالاید، آشکارا رسمی خلاف شریعت و باورهای زرتشتی را نشان می‌دهد (اوستا، ۱۳۷۹: ۲/۷۶۲)، نیز مطابق با آنچه پیش تر آورده شد، اینکه زبان به کاررفته در ادبیات ودایی کهن تر از زبان گائاها یا سروده‌های زرتشت است و نگارش وداها، مدتی پس از سرایش آنها و در روزگار وجود فرهنگ کتابت نزد هندیان (سلسله کورو در حدود ۱۰۰۰ پ.م.) صورت گرفته است (نک.: پیش‌تر، بخش واریسی نام‌های فردی)، به روشنی بیان می‌کند که ظهور زرتشت و فرهنگ زرتشتی مرتبط با هزاره اول پیش از میلاد و منطبق با همان سده‌های اولیه این هزاره می‌شود. این مسئله با ظهور نام‌های ترکیبی مادی

در همان سده که دارای نام خدای زرتشتی هستند نیز کاملاً همخوانی دارد. از همین رو است که در سده بعدی، یعنی سده ششم، اهورمزدا، در نقش خدایی مهم و محترم در کتیبه یادشده روزگار آشوربانی پال ظهور کرده است. نکته مهم در استنباط مطرح شده این است که در میان نام‌های خدایان و خدایانوانی که با آنها در متون میان‌رودانی و همسایگان غیرایرانی تبار آنها آشنایی داریم، هیچ شاهد کهن‌تری یا متأخرتری که بشود آن را به جای اهورمزدا، برای انتساب به خدای/خدایان آسَرَمَزاَش (مَصاش) در نظر گرفت، در دست نیست و چون نام محل بحث نیز نه اصطلاحی جغرافیایی، بلکه درست در پیوند با نام خدا است، همین مسئله ما را مطمئن می‌کند که مقصود سنجش‌پذیر، اهورمزدا خدای زرتشتیان است. تطبیق مؤلفه مطالعاتی با محتمل‌ترین و مرتبط‌ترین مستند سنجش‌پذیر از دریچه گاه‌نگاری، جغرافیایی و موضوعی، به‌ویژه وقتی گزینه دوم در خور ملاحظه‌ای هم برای ایجاد تردید در دست نیست، عرف علمی رایجی در مطالعات فرهنگی، تاریخ‌پژوهی و باستان‌شناسی است.

نام‌های شاهان مادی در اساطیر و تاریخ

بر مبنای گاه‌نگاری قطعی شاهان هخامنشی از یک سو و خورشیدگرفتگی معروف نبرد هالیس در روز ۲۸ ماه می ۵۸۵ پ.م. (Leloux, 2016: 31-54) از سوی دیگر، این امکان هست که برای شاهان مادی نام برده‌شده در نام‌نامه‌های مختلف، نوعی گاه‌نگاری پیشنهادی و مستند بر اطلاعات منابع مکتوب تنظیم شود. درباره گاه‌نگاری مرتبط با محتوای قسمتی از این نام‌نامه‌ها، لِنْفَنَت (Lenfant, 1996: 348-380) و زرین‌کوب (۱۳۸۷): ۹۹-۱۱۲ دیدگاه‌هایی مطرح کرده‌اند. روی هم رفته ترسیم گاه‌نگاری برای شاهان مادی تاریخی به صورتی که در جدول ۱ آمده، ممکن است.

نگرشی بر دین مادی ها بر پایه تحلیل دو نبشته نوبابلی و توالی شاهان آنها / ۲۰۵

جدول ۱: مطابقت داده‌های «هرودوت» (Herodotus, I: 73-74 & 96-130)، بایگانی دربار یارس پیرو گزارش کتسیاس (خلاصه فوتیوس، ۱۳۸۰: ۱۵؛ 219-88؛ Llewellyn-Jones & Robson, 2010: 32-34؛ Diodorus, II: 32-34)، اوسیبوس (Chronicle: 67-68)، خورنی (خورنی، ۱۳۸۰: ۹۹) و آگاپیوس (Agapius, The Universal History: 100). نشان/به معنای جداکننده محتوای دو کتاب از هم است.

فرمانروایان ماد در نگاهته‌های خورنی / آگاپیوس	فرمانروایان ماد در نگاهته‌های کتسیاس (برگرفته از دیودور / اسیبوس)	فرمانروایان ماد در نگاهته‌های هرودوت
<p>وارباکس (Varbakes) - آرباکوس (Arbacus)، ۲۸ سال</p>	<p>آرباکس (Αρβακες) / آرباکن (Αρβακεν)، در هر دو منبع: ۲۸ سال (۷۸۸-۸۱۶ پ.م.) قیام بر ضد سردنایالوس (Σαρδανάπαλος)؛ Σαρδανάπαλλον، شاه آشور که از منظر زمانی و کرداری و آوای نامی، می‌تواند برابر با آشور-دنین-اپلی (Aššur-danin-apli) یا آشور-دئین-اپل (Aššur-da'in-apla) باشد (Luckenbill, 1926: 254; Grayson, 1996: 183). در این قیام، بلسوس (Βελεσσυ)، شاه بابل او را همراهی کرد که او نیز از نظر زمانی، کرداری و آوایی، می‌تواند با مردوک-بلاشو-ایقبی (Marduk-balāssu-iqbi) برابر باشد. سقوط سردنایالوس و به قدرت رسیدن آرباکس در ماد، در سال ۴۰ پیش از برگزاری نخستین المپیک یونانیان (۷۷۶ پ.م.)، برابر با سال ۸۱۶ پ.م.</p>	<p>---</p>
<p>مُداکس (-Moda (k'is) /- ماندائوس (Mandaous)، ۲۰ سال</p>	<p>مائوداکس (Μαυδάκης)؛ مائوداکن (Μαυδάκην)، ۵۰ سال (۷۳۸-۷۸۸ پ.م.) / ۲۰ سال (۷۶۸-۷۸۸ پ.م.) * نسبت به داده‌های آماری دیودور گاه‌نگاری برخاسته از آن، داده‌های آماری اوسیبوس با شواهد تاریخی و داده‌های منابع مکتوب مطابقت بیشتری دارند که در جدول با * مشخص می‌کنیم؛ از جمله برابرشدن گاه‌نگاری آرتوکاس با زردوگو (Zardukku) در کتیبه سارگن دوم و مطابقت‌های زمانی و کرداری آرتونس، آستی بازاس و اسپانداس با فرارتس، کیاکسارس و آستیگس</p>	<p>---</p>

فرمانروایان ماد در نگاه‌های خورنی / آگاپوس	فرمانروایان ماد در نگاه‌های کتسیاس (برگرفته از دیودور / اسیوس)	فرمانروایان ماد در نگاه‌های هرودوت
<p>سُس آرْمُس / (Sosarmos) سُس آرْموس (Sousarmous)، سال ۳۰</p>	<p>سُسارْموس (Σώσαρμος)؛ سُسارْمون (Σώσαρμον)، در هر دو منبع: ۳۰ سال (۷۰۸-۷۳۸ پ.م.) / (۷۳۸-۷۶۸ پ.م.) *</p>	<p>---</p>
<p>آرتیکاس /-(Ar't'ikas) آ.ثا.س (A.tha.s)، سال ۳۰</p>	<p>آرتوکاس (Ἀρτύκας)؛ آرتوکان (Ἀρτύκαν)، ۵۰ سال (۶۵۸-۷۰۸ پ.م.) / ۳۰ سال (۷۰۸-۷۳۸ پ.م.) * از نظر زمانی می‌تواند برابر خردوک (Hardukka) یا زردوگو، فرمانروای خارزی آنو (Hārzianu) که در کتیبه سارگن دوم نوآشوری به او اشاره شده، باشد (Luckenbill, 1927: 76, 104). فریم در آوانویسی هر سه کتیبه، خوانش نام را به صورت «زاردوگو» (za-ar-du-uk-ku)، «زاردوک» (za-ar-duk- rka) و «زاردوک» (za-ar-duk- rka) آورده است (Frame, 2021: 281, 365, 453) که با توجه به همخوانی مؤلفه‌های زمانی، جغرافیایی و هویتی میان آرتوکاس و این شخصیت مرتبط با سکونتگاهی در زاگرس مرکزی در سده هشتم پیش از میلاد، در اساس تحلیل خلی وارد نمی‌کند و صرفاً می‌تواند بیانگر تفاوت‌های آوایی آشکار میان خوانش نام یادشده در کتیبه‌های نوآشوری با خوانش و ثبت آن در روایت یونانی و اسطوره‌ای شده از فردی تاریخی باشد.</p>	<p>---</p>

فرمانروایان ماد در نگاشته های خورنی / آگاپیوس	فرمانروایان ماد در نگاشته های کتسیاس (برگرفته از دیودور / اسیبوس)	فرمانروایان ماد در نگاشته های هرودوت
---	<p>آربیانس (Ἀρβιάνης)؛ آربیانن (Ἀρβιάνην) در گزارش دیودور: ۲۲ سال (۶۸۶-۷۰۸ پ.م.)*</p> <p>* اوسیبوس به او اشاره نکرده است، اما گاه نگاری او را بر مبنای ادامه اطلاعات دیودور ادامه می دهیم. از نظر زمانی، می تواند همان «دهیوک» یا دیوکس، قاضی توصیف شده به قلم هرودوت در دوره پیش از پادشاهی باشد، دورانی که دیودور آن را روزگار نبود حکومت شاه محور و بر مبنای «الگوی دموکراتیک» خوانده است.</p>	<p>---</p> <p>(دوران قضاوت دیوکس و وجود فرهنگ گرد هم آمدن در میدان شهر برای تصمیم گیری)</p>
<p>دئوکیس (-Deo) / vk'is - / دیوکس (Deioces)، ۵۴ سال</p>	<p>آرتایوس (Ἄρταϊός)؛ آرتایون (Ἄρταϊον)، ۴۰ سال (۶۴۶-۶۸۶ پ.م.)*</p> <p>اوسیبوس به او اشاره نکرده، اما از حکومت ۵۴ ساله دیوکس (Deioces) یاد کرده است. از نظر زمانی، احتمالاً همان دهیوک توصیف شده به قلم هرودوت پس از شاه شدن باشد. درگیری با کادوسی ها از مهم ترین اقدامات اوست.</p>	<p>دیوکس (Δηϊόκης)، برابر با دهیوک (-Dahyu) ka، ۵۳ سال (۶۴۷-۷۰۰ پ.م.)*</p> <p>ایجاد سازوکار درباری و شاهی، و ساخت هگمتانه، مهم ترین اقدامات اوست.</p>

فرمانروایان ماد در نگاشته‌های خورنی / آگاپیوس	فرمانروایان ماد در نگاشته‌های کتسیاس (برگرفته از دیودور / اسیبوس)	فرمانروایان ماد در نگاشته‌های هرودوت
<p>پراورتیس (Pravort'is) / -آفرارتیس (Aphraartis)، ۲۴ سال</p>	<p>آرتونس (ἄρτυνης) / آرتونن (ἄρτυνην)، ۲۲ سال (۶۲۴-۶۴۶ پ.م.)* اوسبیوس به او اشاره نکرده، اما از حکومت ۲۲ سال فراآرتس (Phraortes) یاد کرده است. از منظر زمانی و کرداری، احتمالاً همان فراآرتس وصف شده به قلم هرودوت باشد.</p>	<p>فراآرتس (Φραόρτης)، برابر با فرورتیش (Fravartiš)، ۲۲ سال (۶۲۵-۶۴۷ پ.م.)* مطیع کردن پارس، حمله به آشور و شکست از آن، کارنامه اوست.</p>
<p>کواکسارس (K'vaksares) / کیاکسارس (Cyaxares)، ۳۴ سال</p>	<p>آستی باراس (Ἀστιβάρας) / آستی باران (Ἀστιβάραν)، ۴۰ سال (۵۸۴-۶۲۴ پ.م.)* اوسبیوس به او اشاره نکرده، اما از حکومت ۳۲ ساله کیاکسارس (Cyaxares) یاد کرده است. حمله سکاها، صلح با سکاها و عقب‌راندن آنها، از مهم‌ترین وقایع زمان او بوده است. از منظر زمانی و کرداری، احتمالاً همان کیاکسارس وصف شده به قلم هرودوت باشد.</p>	<p>کواکسارس (Κυαξάρης)، برابر با اووخشتَر (Uvax-^hstra)، ۴۰ سال (۵۸۵-۶۲۵ پ.م.)* حمله سکاها، شکست دادن سکاها، حمله به نینوا، حمله به لیدی، و خورشیدگرفتگی معروف به هالیس، از مهم‌ترین وقایع زمان او بوده است.</p>
<p>آزداهاک (Azhdahak) / -آستیآگس (Astyages)، ۲۸ سال</p>	<p>آسپانداس (Ἀσπάδας) / آسپاندان (Ἀσπάδαν)، ذکرشدن تاریخ [بازسازی به صورت: (۵۴۹/۵۵۰-۵۸۴ پ.م.)] اوسبیوس به او اشاره نکرده، اما از حکومت ۳۸ ساله آشداهاک (Ashdahak) یاد کرده است. سقوط مادی‌ها به دست کوروش در زمان او برابر با آستیآگس در گزارش هرودوت و ایشتومگو در گزارش نبوتیید است.</p>	<p>آستواگس (Ἀστυάγης)، احتمالاً برابر پارسی آرشتی وئیگ (Rštivai-) (gah)، ۳۵ سال (۵۴۹/۵۵۰-۵۸۵ پ.م.)* سقوط حکومت مادی‌ها به دست کوروش در زمان او</p>

آنچه در محتوای همه این نام‌نامه‌ها دیده می‌شود، ظهور به یکباره دو نام مرتبط با مفاهیم زرتشتی (فرورتی و هوخستر) از سده هفتم پیش از میلاد است. می‌دانیم که هم واژه و هم مفهوم «فروشی» که در زبان مادی، به «فرورتی» دگردیسی یافته، در اوستا (فروردین‌یشت) و آموزه‌های زرتشتی مستند شده است و تاکنون محل ارجاع کهن‌تری از برای آن به دست نیامده است. از طرف دیگر، معنای نام «هوخستر» (فرمانروایی نیک) با درون‌مایه ایزدخدایی از گروه امشاسپندان در گاتاها با نام «خشتر وئیریئ» (xšaθra-vairiia) به معنای حکومت بهترین یا حکومت آرمانی هم‌راستا است (اوستا، ۱۳۷۹: ۲۲/۱-۱۴؛ ۱۰۱۶/۲-۱۰۱۵) و چون جایگزین دیگری برای دنبال کردن و ارجاع در دست نیست، این مسئله تنها مرجع ممکن و در خور استناد برای پیدایی نام شاه یادشده در فرهنگ ماد در سده ششم پیش از میلاد می‌تواند محسوب شود. این در صورتی است که نام‌های اساطیری تاریخی پیش از این دو شخصیت مادی، ارتباطی با کلیدواژگان زرتشتی نشان نمی‌دهند.

هرودوت پس از آنکه طوایف شش‌گانه‌ای را برای مادی‌ها نام می‌برد، یک گروه از آنان را مغان (μαγοι) می‌خواند و آنگاه درباره شیوه تدفینشان سخن می‌گوید (Herodotus, I: 140). پیش‌تر نیز بیان شد که هرودوت از حضور مغان در مراسم مذهبی پارسیان یاد کرده است. در مجموع، واضح است که مورخ یادشده، رسته روحانیان پُرشمار و البته مجزا از جامعه را در حکم یک طایفه جمعیتی قومی در نظر گرفته، حال آنکه چنین چیزی هم‌راستا با شواهد منابع مکتوب نیست. اما این مسئله می‌تواند از حضور یک گروه قدرتمند و پُر تعداد روحانی در جوامع مختلف مادی حکایت کند. به سخن دیگر، آن دسته‌های روحانی در سکونتگاه‌های مادی نشین، مغان بوده‌اند.

پیرو گزارش همین تاریخ‌نویس یونانی زبان، شیوه مُرده‌سپاری این مردمان، درست هم‌مخوان با مؤلفه‌های آیین دخمه‌کردن در متون دست اول زرتشتی مانند وندیداد (اوستا، ۱۳۷۹:

Bendezu-Sarmiento & Lhuillier, 2015: 289) و سنت مرده‌سپاری فرهنگ یاز (۷۲۷/۲) (302, 308-310 and Lecomte, 2011: 226-227) بوده است. به عبارت دیگر، آنچه در میان روحانیان مادی (و به تبع آن، دربار و جوامع سکونتگاه‌هایشان) رواج داشته، آیینی بلاشک منطبق بر کیش زرتشتی در آن مقطع زمانی (روزگار هخامنشی) بوده است. این موضوع به نوعی نشان می‌دهد که به رغم همجواری و ارتباطات درازمدت مادی‌ها با حوزه فرهنگی میان‌رودان و برخلاف بسیاری از همسایگان‌شان، این مردمان دچار استحلال در آن گهواره تمدن نشده بودند، بلکه کیشی مجزا برای خود داشتند و به آیین‌های خود رفتار می‌کردند و از همین رو، میراث آن سنن، در روزگار هخامنشی هیچ شباهتی به آیین‌های اشاره‌شده در مکتوبات اکدی هزاره اول پیش از میلاد نداشته است.

«مغ» در فارسی باستان به صورت m-gu-u-š (شارپ، ۱۳۸۴: ۳۷؛ Tav-؛ Kent, 1950: 118; ermier, 2007: 34)، در بابلی ma-gu-šú (ملبرن-لابا، ۱۳۸۸: ۱۹؛ 34، Tavernier, 2007)، در ایلامی ma-ku-iš (علی‌یاری، ۱۳۹۴: ۱۰۷-۱۰۸) و در آرامی: mgwš (Tavernier, 2007: 34) آمده است. می‌دانیم که ریشه نام این طبقه، واژه نیاهندواروپایی -mahgh-/māhgh- و به معنای توانمندبودن و جادوگر است. از همین ریشه، واژه mahgos به مفهوم خادم خدا ساخته شده و هم‌راستا با واژه پارسی قدیم «مگوش» است (Pokorny, 1887: II/ 695-696). داریوش یکم در هر سه نسخه از کتیبه‌اش در بیستون، اشاره‌ای غیرمستقیم به باوری مذهبی نزد گئومات، مغ مادی طغیانگر کرده است. در این باره، شاه هخامنشی چنین نوشته است که گئومات، غاصب تاج و تخت کمبوجیه، پرستشگاه‌ها (āyadanā) در پارسی قدیم؛ شارپ، ۱۳۸۴: ۱۵۱ و هم‌ریشه با قسمت دوم واژه bāgayādiš به مفهوم پرسش خدا در (Tavernier, 2007: 39) و خانه یا پرستشگاه خدایان (در نسخه اکدی روزگار نوبابلی به صورت É.[MEŠ] ša DINGIR.MEŠ) را برانداخته است (شارپ، ۱۳۸۴: ۳۹؛ Kent, 1950: ۳۹).

118, 120؛ ملبرن-لابا، ۱۳۸۷: ۱۸ و ۴۸). در رونوشت ایلامی هم به تخریب خانه-نیایشگاه خدایان اشاره شده است (سوزینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۸ و ۲۶ و علی یاری، ۱۳۹۴: ۱۰۹-۱۱۰). اینکه این عمل، به مفهوم ضدیت با عبادتگاه بوده است یا مقصود، تخریب معابد خدایانی از کیش های دیگر، قابلیت اظهار نظر دقیق ندارد، ولی مطابق با محتوای آبان یشت (اوستا، ۱۳۷۹: ۳۱۶/۱)، این آگاهی قطعی وجود دارد که در کیش زرتشتی، برای خدای بانویی چون اناهیتا، خانه (É) یا نیایشگاهی ستوندار توصیف کرده اند و از این رو احتمالاً این مغ مادی با جهان بینی کیش یادشده، به منظور تخریب نیایشگاه خدایان دیگر ادیان، دست به این عمل زده است و نه مخالفت با کلیت برپایی نیایشگاه.

گزارشی از نبوتئید با نام «نُبْنیدوس ۳» که پیش تر «سنگ یادبود بابل»، «نبشته ۱ نُبْنیدوس» و «قطعه XI سنگ یادبود نُبْنیدوس» خوانده می شد (Weiershäuser & Novotny, 2020: 59)، یک متن مفصل از نبوتئید، فرجامین شاه بابل است که با وجود تبعیت محتوای آن از روای نبشته های بابلی نو، وصف امور مذهبی است، اما در بخشی از آن، شرح مختصر و بریده ای از اتحاد ماد و بابل در رخداد سقوط آشور آمده است. متن که به آشور، سوَبرتو (KUR.SU.BIR₄.KI) می گوید، جایگاه شاه ماد (LUGAL um-man-ma-an-da؛ شاه نیروی ماند) را از متحدی هم سنگ، به مطیع شاه وقت بابل، نبوپلسر تحریف کرده (Ibid.: 62) که چنین چیزی، مطلقاً مطابق محتوای کتیبه خود نبوپلسر نیست (Gadd, 1923: 37-42)، به طوری که در بند ۲۹ از لوح «سقوط نینوا»، نبوپلسر نوشته است که او و شاه ماد، با دوستی کامل، در شهری یکدیگر را ملاقات کردند تا با یکدیگر اتحادی را برپا کنند (Ibid.: 38) و این گونه، روایت نبوتئید را نادرست نشان می دهد.

در ادامه نبشته نبوتئید (31-14: ii) چنین آمده است که شاه بی پروای مادی، تمامی سپندگاه های خدایان آشور را ویران کرد و حتی در آن سکونتگاه های بابلی که به این اتحاد

یاری نرسانده بودند، تمامی مراکز مذهبی و آیین‌هایشان را از میان برد. این در حالی است که شاه بابل، چنان به این نیایشگاه‌ها و آیین‌های دینی معتقد بود که نه تنها کاری مشابه یار مادی را انجام نداد، بلکه طبق همین متن، به سبب این کفر صورت گرفته، سوگواری هم کرد (Weiershäuser & Novotny, 2020: 62-63):

شاه بی‌پروای گروه (مترجم: نیروی ماند؛ مادی‌ها) (um-man-ma-an-da)، سپندگاه‌های خدایان سرزمین سوپرتو (آشور) را ویران کرد، همه آنها را. فزون بر آن، (درباره) شهرهای (مترجم: واقع) بر مرز سرزمین اکد که سوی (مترجم: نسبت به) شاه سرزمین اکد، دشمن شده بودند و به یاری او نیامده بودند، او (مترجم: شاه ماد) آیین‌های مذهبی آنان را نابود کرد، به هیچ کس رحم نکرد (و) حتی شدیدتر از طوفان، کانون‌های مذهبی‌شان را ویرانه ساخت. شاه بابل (نبولسر)، نماینده خدای مردوک، آن که کفرگویی برای او حرام است، دست‌اندازش را بر هیچ یک از آیین‌های خدایان دراز نکرد، موهای کدرشده را پوشاند (انگار که در سوگواری باشد)، بر تختی روی زمین دراز کشید (Ibid.).

چنان‌که واضح است، هم‌راستا با آنچه بعدها هرودوت نیز وصف کرده، کیش رسمی دربار و سربازان جامعه مادی، دست‌کم در هگمتانه و به رهبری شاه آن، اشتراکی با باورهای مذهبی مشترک میان رودانیان نداشته است، بلکه جامعه مادی مذکور، در سده هفتم پیش از میلاد، پیرو مناسک دینی کاملاً متفاوت بوده‌اند، زیرا در غیر این صورت، همانند شاه بابل، به جایگاه‌های سپند آشوری بابلی دست‌درازی نمی‌کردند.

مشابه این محتوا در گزارش دیگری به نام «استوانه III, ۲ نبونئید» یا «استوانه اخولخول» (Eḫulḫul Cylander)، به این صورت آمده است که مادی‌ها به ویران کردن نیایشگاه خدای سین (Sīn) پرداختند:

(با توجه به) إخولخول، نیایشگاه خدای سین، آنجا که اندرون شهر حرّان است، در جایی که خدای سین، سرور بزرگ، از روزهای دور آن را اقامتگاه شادی اش کرده است، دل او (خدای سین) از شهر و از آن نیایشگاه به خشم آمد و (مترجم: مادی‌ها) را برافراشت و (مترجم: آن مادی‌ها) آن نیایشگاه را ویران کردند و آن را به ویرانه تبدیل ساختند (Ibid.: 147).

سپس سخن از میل نبونئید برای بازسازی این نیایشگاه است، اما به دلیل قراردادن منطقه حران در داخل متصرفات مادی‌ها، چنین امکانی برای شاه بابل مهیا نبود: «من با احترام با انلیل خدایان، خدای مردوک سخن گفتم:» (درباره) آن نیایشگاهی که (باز) ساختنش را تو فرمان داده‌ای، (مادی‌ها)، همگی پیرامون آن هستند و نیروهایش توانمندند» (Ibid.). این گزارش بیان می‌کند که مادی‌ها راجع به ویرانه ماندن این نیایشگاه بزرگ، کاملاً بی‌توجه بودند که نشان دهنده وجود اختلافات ژرف میان دو کیش مادی و آشوری بابلی بوده است: (درباره شهر) حران (و) إخولخول، جایی که برای ۴۲ سال ویران شده بود، (آنجا که) سپندگاه‌هایش به علت هتک حرمت صورت گرفته از سوی (مادی‌ها) ویرانه شده بود، با (موافقت) خدایان، زمان تعیین شده برای آشتی (خدایگانی) نزدیک شد، ۵۵ سال، آن زمان که خدای سین به جایگاهش بازگردد (Ibid.: 70).

در نهایت، با پیروزی کوروش بر ایشتموگو، حران از چیرگی ماد خارج می‌شود: آن هنگام که سال سوم (من) فرارسید، کوروش، شاه سرزمین‌انشان، یک بنده جوان او (آستیاگس)، برضد او (آستیاگس) به پا خاست و او (کوروش)، (مادی‌ها) را با نیروهای کوچک خود پراکنده کرد. او، آستیاگس (ایشتموگو)، شاه (مادی‌ها) را دستگیر کرد و به عنوان اسیر به سرزمین خود برد (Ibid.: 147).

نیایشگاه نوشیجان تپه

با توجه به کشف آنچه دو نیایشگاه «مرکزی» و «غربی» نوشیجان تپه و مرتبط با دوره ماد خوانده شده و ویژگی شاخص معبد غربی، یعنی وجود آتشدان (Stronach, 1968; 1978)، می‌توان به درک خوبی از سیمای اجرایی آیین‌های کیش رسمی مادی‌ها دست یافت. مطابق با این شاهد باستان‌شناختی، در مناسک و آیین‌های نیایشی روحانی مادی، محراب مرتبط با آتشدان نقش پُررنگی بازی می‌کرده است که بعدها مشابه‌های آن را در روزگار هخامنشی، به‌ویژه در نقوش آرامگاه‌های شاهان این دوره، می‌توان مشاهده کرد. اینکه نیایشگاه‌های دارای آتشدان در آسیای مرکزی و عصر مفرغ در گنورتپه (Gonur depe) دیده می‌شود (Sarianidi, 1998: 120-132; Dubova, 2019: 30-31) و سپس مشابه آن را می‌توان در معبد جاركوتان و عصر آهن آن منطقه هم دید (Shenkar, 2006: 170)، این دیدگاه را پدید می‌آورد که ریشه نیایش به سوی آتشدان، ارتباطی با حوزه میان‌رودانی نداشته و نوعی آیین در پیوند با سرزمین‌های شرقی فلات ایران و آسیای مرکزی بوده است. البته باید به این نکته اشاره کرد که آتشکده‌ها و محوطه یادشده، ارتباطی با باورهای زرتشتی نداشته‌اند، زیرا گفتیم که در محیط و نیز در خصوص جاركوتان، از درون آتشدان، فدی‌های جانوری سوخته به دست آمده است (Sarianidi, 2005; 125-145; Shenkar, 2006: 170;) که این موضوع با آموزه‌های بنیادین زرتشتی (Sarianidi, 2010: 44-45; Dubova, 2019: 31) ضدیت کامل دارد.

سرزمین کرزینو/ کرزین و کیش آن

شهر «کرزینو» (URU.kar-zi-u-ú/kar-zi-u)، سکونتگاهی در ماد بود که سارگن دوم آشوری (۷۰۵-۷۲۱ پ.م.) به آن اشاره کرده است. مختصات این سکونتگاه، واقع در زاگرس (میان سرزمین دتومبو؛ da-tu-um-bu و سرزمین بیرنگن؛ bir-na?-ka-an) بوده (Luckenbill, 1920: 100).

کرده است (Horowitz, 1998: 90). یکی از این یادکردها، در نامه شاه مذکور به خدای آشور یا نبشته ۶۵ سارگن است که از شهر آشور به دست آمده و دیگری در منشور A یا نبشته ۸۲ سارگن دیده می‌شود که از نینوا کشف شده است (Lucknbill, 1927: 73-76, 104-). در دو نبشته از سه نبشته مرتبط با ذکر نام این سرزمین، شاه کرزینو، فردی با نام «سَررُوتی» (sar-ru-ti) یا «شَررُوتی» یا «هیرا/شَررُوتی» (Šarruti; Hir/Šarruti) است و چنان‌که گفته شد، سرزمین او درست میان شماری سکونتگاه مادی نشین و دارای فرمانروایانی با نام‌های ایرانی و از قرار زیر گزارش شده است: «اوشرا» (Uš-ra-a) از «گَنزَبَگنی» ([KUR.ka-an-[za-b]a-[ka-ni]) و مَشَدَگُو از آندیرپتی آنو در نامه به آشورو «آربکو» (Ar-ba-ku) از سرزمین «آرنسی‌آ» یا «ایرنیس» (KUR. ar-na-si-a/ir-ni-sa) و «سَترِنو؛ سَترِنو» (Sa-tar-pa-nu; Sa-tar-ba-nu) از سرزمین «بَریکانو» (Thureau-Dangin, 1912: 48-49; Lucknbill, 1927: 76 & KUR^{ba-ri-ka-a-nu} 105; Levine, 1972: 42/ii.60f & 61f.; Fuchs, 1998: 41/vi. b, 32, 33 & 34; Zadok, 2002: 116-117; Frame, 2021: 281, 365 & 453).

آنچه از محتوای این دو گزارش سارگن دوم آشوری برمی‌آید، در زاگرس مرکزی و سرزمین ماد قرار داشتن سرزمین «کرزینو/کرزین» یا نزدیکی آن به ماد (Zadok, 2002: 115-116; Bagg, 2020: I/334) واضح است. همچنین، می‌توان حدود رَزَن امروزی در همدان را برای همخوانی آن پیشنهاد داد. توجه به این نکته مهم است که در همین مختصات جغرافیایی، سارگن اکدی (حدود ۲۲۷۹-۲۳۳۴ پ.م.) به سرزمینی با همین نام و به صورت kar-zi-na^{ki} اشاره کرده و توصیفی که از آن ثبت شده، درک جالبی از اوضاع و احوال فرهنگی آن به دست می‌دهد:

[اشاره به سرزمین «کَریِن» و بیان این عبارت]: که بالای آن واقع است، آنان که سبک موهایشان با تیغ برگزیده می‌شود، با آتش بلعیده می‌شوند، آنان که خاک سپاری

نمی‌دانند، گوشت خواران، شیرخواران (نوشان) و خورندگان غلات برشته، آنان که (در) اندرون (شان)، نان اجاق پخته نمی‌دانند، شکم‌های (شان) آبدو (نمی‌دانند) (Horow-itz, 1998: 74-75).

در این بخش از نبشته سارگن اکدی که به سرزمین کرزین اشاره و آن را در نزدیکی لولوبوم (Lullubum) و به طور کلی، منطبق بر جغرافیای زاگرس مرکزی و غرب فلات توصیف کرده است، این نکات فرهنگی مهم به چشم می‌خورد:

الف. اشاره به تراشیده شدن سر که با رسم «چوداکرن» (cūdākarn) در آیین هندو در جایگاه میراث دار آیین مشترک هندوایرانی پیش از زرتشتی شدن ایرانیان مشابهت دارد. در این آیین موی فرد در گذر از مراحل مختلف زندگی و هر بار به حالتی، تیغ زده می‌شود (Britannica, The Editors of Encyclopaedia: «tonsure»). ب. آتش زدن پیکر که مشابه با رسم پیشازرتشتی و رایج در آیین هندو است (Rigveda 10: 15.14). رواج این رسم در یکی از سرزمین‌های ایرانی هم گزارش شده و شریعت زرتشتی آن را نکوهش کرده است (اوستا، ۱۳۷۹: ۶۶۳/۲ و ۷۶۲)؛ میان رودانیان نیز با آن بیگانه بوده‌اند و شگفتی سارگن هم برگرفته از رؤیت همین آیین بوده است. این دو سنت مطابق با رسوم پیش از زرتشتی شدن جمعیت‌های ایرانی تبار بوده‌اند و گاه‌نگاری مبحث هم مرتبط با نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد است. بر روی هم، آنچه از گزارش سارگن اکدی راجع به سکونتگاه کرزین دیده می‌شود، صورتی از آیینی است که نزد هندوایرانیان و آیین کهنشان رواج داشته، و از این رو، این نگرش را می‌توان مطرح کرد که در روزگار سارگن اکدی، پاره‌ای از نقاط زاگرس مرکزی، یعنی آنجایی که بعدها و در هزاره یکم پیش از میلاد، با سکونتگاه‌های عمدتاً مادی‌نشین روبه‌رو می‌شویم، شماری جمعیت هندوایرانی تبار (آریایی) یا دست‌کم مردمانی با فرهنگ آنها حضور داشته‌اند. توجه به این مسئله که یکی از صورت‌های نام مادی‌ها در سندهای

میان رودانی هزاره یکم پیش از میلاد، «اومَن - مَنَد» و «ارین - مند» بوده (نک: مقدمه) و در برخی از متون میان رودانی مرتبط با اواخر هزاره سوم و هزاره دوم پیش از میلاد نیز، این دو اصطلاح هویتی خاص و مشتقاتی از آنها دیده می شود (نک: Adali, 2009)، از دریچه تباری یا فرهنگی می تواند نوعی ارتباط نیانواده ای میان آنها برقرار کند.

نتیجه

با تعریف حدود زمانی برای زندگانی زرتشت و ظهور فرهنگ زرتشتی که از منظر شواهد باستان شناسختی (فرهنگ یاز IIA و مرز آن در سده هشتم پیش از میلاد با یاز IIB) و محتوای اسناد تاریخی که با هم سنجش پذیر و قابل اثبات باشند، در این مقاله دیده شد که پیرو شماری نام های فردی مرتبط با شخصیت های مادی که هم در کتیبه های آشوری عصر سارگن دوم نوآشوری (قرن هشتم پیش از میلاد) و هم در کتیبه داریوش بزرگ در بیستون آمده اند و نیز پیرو اشاره به نام خدای بنیادین زرتشتی در کتیبه ای از روزگار آشوربانی پال، فرهنگ مذهبی زرتشتی از اواخر سده هشتم تا سده ششم پیش از میلاد در بستر سکونتگاه های مادی نشین و سپس قلمرو یکپارچه ماد جاری بوده است، آنچنان که همانند نام های مذهبی میان رودانی که حاوی اسم یکی از خدایان هستند، در اینجا نیز بخشی از نام خدای اهورمزدا، درون این نام های ترکیبی مادی دیده می شود. این نکته در وجود نام های شاهانه ای چون «فرورتیش» و «هوخشتر» نیز منطبق با اصول و باورهای مکتوب زرتشتی ارزیابی شد و با توجه به اینکه معیار مشخص و مرتبط دیگری برای انتساب ریشه این دو نام مرتبط با سده هفتم پیش از میلاد در دست نیست، تأثیر آموزه های مستند زرتشتی در این نام گذاری ها روشن است. همچنین، بیان شد که یک سده پس از اشاره کتیبه های سارگن دوم، جایگاه و شهرت خدای برتر زرتشتی چنان در گستره غربی فلات رفیع و والا شد که در کتیبه ای از زمان حکومت آشوربانی پال، نام «اهورمزدا»، در کنار نام

خدایان بزرگ دیگر، ارج و احترام داشت که این مسئله، نشانگر وجود کانون دینی نیرومند و متفاوتی در همسایگی آشور و فرهنگ میان‌رودانی بوده است. در کنار این داده‌ها، به این مسئله هم اشاره شد که هم‌راستا با متنی بسیار گویا از روزگار نبونئید بابلی، برخلاف باورهای مذهبی نبوپلسر، عقاید دینی متحد مادی او (هوخشتر) و سپاه مادی تبار او چنان متفاوت با اصول میان‌رودانی آشوری بابلی بود که به نقل از این کتیبه، همچون طوفان، همه سپندگاه‌های خدایان آن گستره و رسوم مذهبی مرتبط با آنها را به ویرانی کشاند و موجب شد نبوپلسر برای آنچه کفر شاه مادی خوانده شده، سوگواری کند. مجموع این اطلاعات در کنار توجه به شیوه مرده‌سپاری کاملاً همخوان با آیین جاری در کیش زرتشتی نزد مغان به عنوان گروهی پُرجمعیت (تا جایی که قبیله معرفی شده‌اند) و روحانی در جامعه مادی، در کل بیان می‌کند که بستر جوامع مادی نشین سکونتگاه‌های سرزمین ماد، «دست‌کم در بخشی از آن اراضی» که سارگن دوم با آنها مواجه شده بود و سپس «دربار هگمتانه»، هیچ سنخیت و اشتراکی با باورهای دینی میان‌رودانی نداشته است و همانند همسایگانش، تحت تأثیر فرهنگی کانون‌های مذهبی آن سرزمین قرار نگرفته بود، بلکه گروه‌هایی از آنها، تابع باورهای دینی جدا و مرتبط با تبار خود بوده‌اند که البته این نتیجه‌گیری راجع به همه مادی‌ها، فراگیر نیست.



منابع

- اوستا: کهن‌ترین سرودهای ایرانیان (۱۳۷۹). ترجمه: جلیل دوست‌خواه، تهران: مروارید، چاپ پنجم، ج ۱-۲.
- بندهش (۱۳۸۰). ترجمه: مهرداد بهار، تهران: توس، چاپ دوم.
- تورات: کتاب مقدس (۱۸۹۵). ترجمه رابرت بروس و کاراپت اوهانس، تهران: مؤلف.
- خلاصه فوتیوس: خلاصه تاریخ کتسیاس، از کورش تاردشیر (۱۳۸۰). ترجمه: کامیاب خلیلی، تهران: کارنگ.

- خورنی، موسی (۱۳۸۰). تاریخ ارمنیان، ترجمه: ادیک باغداساریان، تهران: مؤلف.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ (۱۳۴۵). تاریخ ماد، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زرین کوب، روزبه (۱۳۸۷). «بنیان‌گذاری اتحاد مادها و اهمیت منبع‌شناسی آن»، در: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)، دوره ۵۹، ش ۱۸۵، ص ۹۹-۱۱۲.
- زهر، آر. سی. (۱۳۸۴). طلوع و غروب زرتشتی‌گری، ترجمه: تیمور قادری، تهران: امیرکبیر.
- سوزینی، فرانسواز؛ هرن اشمیت، کلاریس؛ و ملبرن-لابا، فلورنس (۱۳۸۷). سنگ نبشته داریوش بزرگ در بیستون (عیلامی-هخامنشی)، ترجمه: داریوش اکبرزاده، تهران: پازینه.
- شارپ، رلف نارمن (۱۳۸۴). فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، تهران: پازینه، چاپ دوم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۳). تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ج ۲.
- علی یاری بابلقانی، سلمان (۱۳۹۴). تحریر ایلامی کتیبه داریوش بزرگ در بیستون، تهران: مرکز.
- علی یف، اقرار (۱۳۸۸). پادشاهی ماد، ترجمه: کامبیز میربهاء، تهران: ققنوس.
- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک (۱۳۶۳). زین الاخبار (تاریخ گردیزی)، تصحیح: عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- گزیده‌های زادسپرم (۱۳۶۶). ترجمه: محمدتقی راشد محصل، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۶). التنبیه والاشراف، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ملبرن-لابا، فلورانس (۱۳۸۸). سنگ نبشته داریوش بزرگ در بیستون (رونوشت اکدی-بابلی)، ترجمه: داریوش اکبرزاده، تهران: پازینه.
- نیبرگ، هنریک (۱۳۸۳). دین‌های ایران باستان، ترجمه: سیف‌الدین نجم‌آبادی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- Adali, S. F. (2009). Ummān-manda and its Significance in the First Millennium B.C, Doctor of Philosophy, Faculty of Arts, Department of Classics and Ancient History, University of Sydney.
- Agapius (1909). The Universal History, Translated by Alexander Vasiliev, part 2. pp.1-287. available at 2022:
- Bagg A. M. (2020). Beihefte zum Tübinger Atlas des Vorderen Orients, herausgegeben im Auftrag des Sonderforschungsbereichs 19 von Heinz Gaube und Wolfgang Röllig I/261. Die Orts- und Gewässernamen der neuassyrischen Zeit Teil3: Babylonien, Urartu und die östlichen Gebiete. 7/3-1 & 7/3-2. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Bendezu-Sarmiento J. & J. Lhuillier. (2015). “Sine Sepulchro Cultural Complex of Transoxiana (between 1500 and the Middle of the 1st Millennium BCE). Funerary Practices of the Iron Age in Southern Central Asia: Recent Work, Old Data, and New Hypotheses”, In: *Archaeologische Mitteilungen aus Iran und Turan*, Band 45, Berlin: Dietrich Reimer Verlag GmbH, pp. 281-358.
- Bigland, J. (1811). *A Geographical and Historical View of the World: Exhibiting a Complete Delineation of the Natural and Artificial Features of Each Country*, Vol. 4, Boston: Thomas B. Wait and Co.
- Bivar, A. D. H. (2005). “Mithraism: A religion for the Ancient Medes”, *Iranica Antiqua*, Vol. 40, pp. 341-358.
- Boroffka, N. G. O.; Sverchkov, L. M. (2013). “The Yaz II and III Pottery, Classification and Chronology viewed from Bandykhan, Southern Uzbekistan”, in: *Pottery and Chronology of the Early Iron Age in Central Asia*, Warszawa: The Kazimierz Michalowski Foundation, pp. 49-74
- Boyce, M. (1975). *A History of Zoroastrianism*, Vol. 1, Leiden: Brill.
- Britannica, T., Editors of Encyclopaedia (2008, November 13). “tonsure” Encyclopedia Britannica: www.britannica.com/topic/tonsure

- Diakonoff, I. M. (1991). “‘ry Mdy: The cities of Medes”, in: Ah, Assyria: Studies in Assyrian History and Ancient Near Eastern Historiography Presented to Hayim Tadmor, (eds). M. Cogan and I. Eph'al, pp. 13-20. Jerusalem: The Magnes Press, the Hebrew University.
- Diodorus Siculus (1933). Library of History, Version of the Loeb Classical Library edition, Available at (2022): www.loebclassics.com
- Dubova, N. A. (2019). “Gonur Depe-City of Kings and Gods, and the Capital of Margush Country (Modern Turkmenistan)”, In: Urban Cultures of Central Asia from the Bronze Age to the Karakhanids, Wiesbaden: Harrassowitz, pp. 29-53.
- Duchesne-Guillemin, J. (1974). “Le dieu de Cyrus”, Acta Iranica, No. 3, pp. 11-21.
- Eusebius, Chronicle, English Translation Version, Attalus Organization. Available at (2022): www.attalus.org/translate/eusebius4.html#7
- Fournet, A. (2010). “About the Mitanni-Aryan Gods”, The Journal of Indo-European Studies, Vol. 38, No. 1, pp. 26-40.
- Frame, G. (2021). Royal Inscriptions of Sargon II, King of Assyria (721-705), The Royal Inscriptions of The Neo-Assyrian Period, Vol. 2, Pennsylvania: Eisenbrauns.
- Fuchs, A. (1998). Die Annalen des Jahres 711 v. Chr. nach Prismenfragmenten aus Ninive und Assur, Helsinki: Casco Bay Assyriological Institute.
- Gadd, C. J. (1923). The Fall of Nineveh, The Newly Discovered Babylonian Chronicle, London: Oxford University Press.
- Galter, H. D., (2014). «Sargon II. und die Eroberung der Welt», in: H. Neumann; R. Dittmann and S. Paulus (Hrsg.), Krieg und Frieden im Alten Vorderasien CRRAI 52), Münster (AOAT401), pp. 329-344.
- Grayson, K. A. (1996). Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC, II (858-745 BC), Toronto: University of Toronto Press.
- Hertel, J. (1924). Die Zeit Zoroasters, Leipzig: [L.et.n.].

- Herodotus. (1920). *Histories*. English translation by Alfred Denis Godley. Vol. 1. Available at (2022):
 - <https://www.perseus.tufts.edu/hopper/text?doc=Perseus:text:1999.01.0126>
- Herzfeld, E. (1968). *The Persian Empire: Studies in Geography and Ethnography of the Ancient Near East*, Wiesbaden: [L.et.n.].
- Horowitz, W. (1998). *Mesopotamian Cosmic Geography*, Winona Lake: Eisenbrauns.
- https://penelope.uchicago.edu/Thayer/e/roman/texts/diodorus/_siculo/2a*.html
- https://www.tertullian.org/fathers/agapius_history_02_part2.htm
- Kent, R. G. (1950). *Old Persian, Grammar, Texts, Lexicon*, New Haven: American Oriental Society.
- Lecomte, O. (2011). “Ulug Depe 4000 Years of Evolution between Plain and Desert”, *Historical and Cultural sites of Turkmenistan, Discoveries, Researches and Restoration for 20 years of independence*, Ashgabat: [L.et.n.], pp. 221–237.
- Leichty, E. (2011). *Royal Inscription of the Neo-Assyrian Period. The Royal Inscription of Essarhaddon, King of Assyria (680-669 BC)*. Winona Lake: Eisenbrauns.
- Leloux, K. (2016). “The Battle of the Eclipse (May 28, 585 BC): A Discussion of the Lydo-Median Treaty and the Halys Border”, *Journal of Interdisciplinary Research on War and Peace*, No. 19, pp. 31-54.
- Lenfant, D. (1996). “Ctésias et Hérodote, ou les réécritures de l’histoire dans la Perse achéménide”, *Revue des Études Grecques*, No. 109, pp. 348–380.
- Levine, L. D. (1972). *Two Neo-Assyrian Stelae from Iran*, Toronto: Royal Ontario Museum.
- Llewellyn-Jones, L.; Robson, J. (2010). *Ctesias’s History of Persia, Tales of the Orient*, London: Routledge, pp. 88-219.
- Luckenbill, D. D. (1926). *Ancient Records of Assyria and Babylonia*, Vol. 1, Chicago: University of Chicago Press.

- Luckenbill, D. D. (1927). *Ancient Records of Assyria and Babylonia*, Vol. 2, Chicago: University of Chicago Press.
- Medvedskaya, I. N. (1999). "Media and its Neighbours I: The Localization of Ellipi", *Iranica antiqua*, Vol. 34, pp. 53-70.
- Medvedskaya, I. N. (2002). "Were the Assyrians at Ecbatana?", *The International Journal of Kurdish Studies* Vol. 16, No. 1-2, pp. 45-57.
- Novotny, J.; Jeffers, J. (2018). *Royal Inscription of the Neo-Assyrian Period. The Royal Inscription of Ashurbanipal (668-631 BC)*, Winona Lake: Eisenbrauns.
- Parpola, A. (2015). *The Roots of Hinduism: The Early Aryans and the Indus Civilization*, New York: Oxford University Press.
- Pokorny, J. (1887). *Indogermanisches etymologisches Wörterbuch*, Vol. 2, Bern: Francke.
- Rigveda 10, In: *Four Vedas*, English trans. available at (2022): <http://hinduonline.co/DigitalLibrary/SmallBooks/FourVedasEng.pdf>
- Radner, K. (2013). «Assyria and the Medes», in: D. T. Potts (Ed.), *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, Oxford, pp. 442-456.
- Sarianidi, V. I. (1998). *Margiana and Protozoroastrism*, Athens: [L.et.n.].
- Sarianidi, V. I. (2005). *Gonur-Depe. Turkmenistan. City of Kings and Gods*, Ashgabat: [L.et.n.].
- Sarianidi, V. I. (2010). *Zadolgo do Zaratuštry/ Long before Zaratushtra*, Moscow: [L.et.n.].
- Shenkar, M. (2006). "Temple Architecture in the Iranian World before the Macedonian", *Iran and Caucasus*, No. 11, pp. 169-194.
- Starr, I. (1990). *State Archives of Assyria, Queries to the Sungod, Divination and Politics in Sargonid Assyria*, Vol. IV, Helsinki: Helsinki University Press.
- Stronach, D. (1968). "Nush-i Jan Tepe: a Mound in Media", *Journal of the Metropolitan Museum of Art*, No. 28, pp. 77-88.

- Stronach, D. (1978). "Excavations at Tepe Nush-i Jan", *Journal of the British Institute of Persian Studies*, No. 16, pp. 1-28.
- Tadmor, H.; Yamada, S. (2011). *The Royal Incriptions of Tiglat-Pileser III (744-727 BC) and Shalmaneser V (726- 722 BC)*, Vol. 1. Winona Lake: Eisenbrauns.
- Tavernier, J. (2007). *Iranica in the Achaemenid Period (ca. 550-330 B.C.)*, Leuven: Peeters Publishers & Department of Oriental Studies.
- Thureau-Dangin, F. (1912). *Une relation de la huitième campagne de Sargon*, Paris: Musée du Louvre.
- Ungnad, A. (1943). "Ahura-Mazdâda und Mithra in Assyrischen Texts?," *Orientalistische Literaturzeitung*, No. 46, pp. 193-201.
- Weiershäuser, F.; Novotny, J. (2020). *The Royal Incriptions of Amēl-Marduk (561–560 BC), Neriglissar (559–556 BC), and Nabonidus (555–539 BC), Kings of Babylon, Royal inscriptions of the neo-Babylonian Empire*, Vol. 2, Philadelphia: University of Pennsylvania Press
- Zadok, R. (2002). *The Ethno-linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period*, Tel Aviv: Archaeological Center Publications.

References

- Adali, S. F. 2009. *Ummān-manda and ita Significance in the First Millenium B.C*, Doctor of Philosophy, Faculty of Arts, Department of Classics and Ancient History, University of Sydney.
- Agapius. 1909. *The Universal History*, Translated by Alexander Vasiliev, part 2. pp.1-287. available at 2022:
- Ali Yari Bableghani, Salman. 2015. *Tahrir Ilami Katibeh Dariyush Bozorg dar Bišton (Elamite Writing of the Inscription of Darius the Great in Bišton)*, Tehran: Center. [in Farsi]

- Aliev, Igrar. 2009. Padeshahi Mad (Kingdom of the Medes), Translated by Kambiz Mirbaha, Tehran: Ghoghhus. [in Farsi]
- Awešta: Kohantarin Sorud-hay Iranian (Avešta: The Oldest Iranian Hymns). 2000. Translated by Jalil Duštkhah, Tehran: Morwarid, Fifth Edition, vol. 1-2. [in Farsi]
- Bagg A. M. 2020. Beihefte zum Tübinger Atlas des Vorderen Orients, herausgegeben im Auftrag des Sonderforschungsbereichs 19 von Heinz Gaube und Wolfgang Röllig I/261. Die Orts- und Gewässernamen der neuassyrischen Zeit Teil3: Babylonien, Urartu und die östlichen Gebiete. 7/3-1 & 7/3-2. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Bendezu-Sarmiento J. & J. Lhuillier. 2015. "Sine Sepulchro Cultural Complex of Transoxiana (between 1500 and the Middle of the 1st Millennium BCE). Funerary Practices of the Iron Age in Southern Central Asia: Recent Work, Old Data, and New Hypotheses", In: Archaologische Mitteilungen aus Iran und Turan, Band 45, Berlin: Dietrich Reimer Verlag GmbH, pp. 281-358.
- Bigland, J. 1811. A Geographical and Historical View of the World: Exhibiting a Complete Delineation of the Natural and Artificial Features of Each Country, Vol. 4, Boston: Thomas B. Wait and Co.
- Bivar, A. D. H. 2005. "Mithraism: A religion for the Ancient Medes", Iranica Antiqua, Vol. 40, pp. 341-358.
- Boroffka, N. G. O.; Sverchkov, L. M. 2013. "The Yaz II and III Pottery, Classification and Chronology viewed from Bandykhan, Southern Uzbekistan", in: Pottery and Chronology of the Early Iron Age in Central Asia, Warszawa: The Kazimierz Michalowski Foundation, pp. 49-74
- Boyce, M. 1975. A History of Zoroastrianism, Vol. 1, Leiden: Brill.
- Britannica, T., Editors of Encyclopaedia (2008, November 13). "Tonsure" Encyclopedia Britannica: www.britannica.com/topic/tonsure
- Bundahishn. 2001. Translated by Mehrdad Bahar, Tehran: Tus, Second Edition. [in Farsi]
- Diakonoff, I. M. 1991. "ry Mdy: The cities of Medes", in: Ah, Assyria: Studies in Assyrian

History and Ancient near Eastern Historiography Presented to Hayim Tadmor, (eds). M. Cogan and I. Ephra'el, pp. 13-20. Jerusalem: The Magnes Press, the Hebrew University.

- Diakonov, Igor Mikhailovich. 1966. Tarikh Mad (History of Medes), Translated by Karim Keshawarz, Tehran: Book Translation and Publishing Company. [in Farsi]
- Diodorus Siculus. 1933. Library of History, Version of the Loeb Classical Library edition, Available at (2022): www.loebclassics.com
- Dubova, N. A. 2019. "Gonur Depe-City of Kings and Gods, and the Capital of Margush Country (Modern Turkmenistan)", in: Urban Cultures of Central Asia from the Bronze Age to the Karakhanids, Wiesbaden: Harrassowitz, pp. 29-53.
- Duchesne-Guillemin, J. 1974. "Le dieu de Cyrus", Acta Iranica, no. 3, pp. 11-21.
- Eusebius, Chronicle, English Translation Version, Attalus Organization. Available at (2022): www.attalus.org/translate/eusebius4.html#7
- Fournet, A. 2010. "About the Mitanni-Aryan Gods", The Journal of Indo-European Studies, vol. 38, no. 1, pp. 26-40.
- Frame, G. 2021. Royal Incriptions of Sargon II, King of Assyria (721-705), The Royal Incriptions of The Neo-Assyrian Period, vol. 2, Pennsylvania: Eisenbrauns.
- Fuchs, A. 1998. Die Annalen des Jahres 711 v. Chr. nach Prismenfragmenten aus Ninive und Assur, Helsinki: Casco Bay Assyriological Institute.
- Gadd, C. J. 1923. The Fall of Nineveh, The Newly Discovered Babylonian Chronicle, London: Oxford University Press.
- Galter, H. D. 2014. "Sargon II. und die Eroberung der Welt", in: H. Neumann; R. Dittmann and S. Paulus (Hrsg.), Krieg und Frieden im Alten Vorderasien CRRAI 52), Münster (AOAT401), pp. 329-344.
- Gardizi, Abd al-Hay ibn Zahhak. 1984. Zayn al-Akhbar, Tarikh Gardizi (Ornament of the News, History of Gardizi), Edited by Abd al-Hay Habibi, Tehran: Book World. [in Arabic]

- Gozideh-hay Zadsparam. 1987. Translated by Mohammad Taghi Rashed Mohassal, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [in Farsi]
- Grayson, K. A. 1996. Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC, II (858-745 BC), Toronto: University of Toronto Press.
- Herodotus. 1920. Histories. English Translation by Alfred Denis Godley. vol. 1. Available at (2022):
- Hertel, J. 1924. Die Zeit Zoroasters, Leipzig: [L.et.n.].
- Herzfeld, E. 1968. The Persian Empire: Studies in Geography and Ethnography of the Ancient Near East, Wiesbaden: [L.et.n.].
- Horowitz, W. 1998. Mesopotamian Cosmic Geography, Winona Lake: Eisenbrauns.
- https://penelope.uchicago.edu/Thayer/e/roman/texts/diodorus_siculus/2a*.html
- <https://www.perseus.tufts.edu/hopper/text?doc=Perseus:text:1999.01.0126>
- https://www.tertullian.org/fathers/agapius_history_02_part2.htm
- Kent, R. G. 1950. Old Persian, Grammar, Texts, Lexicon, New Haven: American Oriental Society.
- Kholaseh Photius: Kholaseh Tarikh Ctesias, az Kurush ta Ardeshir (Summary of Photius: Summary of the History of Ctesias, from Cyrus to Ardashir). 2001. Translated by Kamyab Khalili, Tehran: Karang. [in Farsi]
- Khorni, Musa. 2001. Tarikh Armaniyan (History of Armenia), Translated by Edik Baghdasariyan, Tehran: Author. [in Farsi]
- Lecomte, O. 2011. "Ulug Depe 4000 Years of Evolution between Plain and Desert", Historical and Cultural sites of Turkmenistan, Discoveries, Researches and Restoration for 20 years of independence, Ashgabat: [L.et.n.], pp. 221–237.
- Leichty, E. 2011. Royal Inscription of the Neo-Assyrian Period. The Royal Inscription of Essarhaddon, King of Assyria (680-669 BC). Winona Lake: Eisenbrauns.
- Leloux, K. 2016. "The Battle of the Eclipse (May 28, 585 BC): A Discussion of the Ly-

do-Median Treaty and the Halys Border", *Journal of Interdisciplinary Research on War and Peace*, No. 19, pp. 31-54.

- Lenfant, D. 1996. "Ctésias et Hérodote, ou les réécritures de l'histoire dans la Perse achéménide", *Revue des Études Grecques*, No. 109, pp. 348-380.
- Levine, L. D. 1972. *Two Neo-Assyrian Stelae from Iran*, Toronto: Royal Ontario Museum.
- Llewellyn-Jones, L.; Robson, J. 2010. *Ctesias's History of Persia, Tales of the Orient*, London: Routledge, pp. 88-219.
- Luckenbill, D. D. 1926. *Ancient Records of Assyria and Babylonia*, Vol. 1, Chicago: University of Chicago Press.
- Luckenbill, D. D. 1927. *Ancient Records of Assyria and Babylonia*, Vol. 2, Chicago: University of Chicago Press.
- Malbran-Labat, Florence. 2009. *Sangnebeshteh Dariyush Bozorg dar Bišton (Stone Inscription of Darius the Great in Bišton, Akkadian-Babylonian Copy)*, Translated by Dariyush Akbarzadeh, Tehran: Pazineh. [in Farsi]
- Masudi, Ali ibn Hosayn. 2007. *Al-Tanbih wa al-Eshraf (Alert and Supervision)*, Translated by Abolghasem Payandeh, Tehran: Scientific & Cultural, Third Edition. [in Farsi]
- Medvedskaya, I. N. 1999. "Media and its Neighbours I: The Localization of Ellipi", *Iranica antiqua*, Vol. 34, pp. 53-70.
- Medvedskaya, I. N. 2002. "Were the Assyrians at Ecbatana?", *The International Journal of Kurdish Studies* Vol. 16, No. 1-2, pp. 45-57.
- Novotny, J.; Jeffers, J. 2018. *Royal Inscription of the Neo-Assyrian Period. The Royal Inscription of Ashurbanipal (668-631 BC)*, Winona Lake: Eisenbrauns.
- Nyberg, Henrik. 2004. *Din-hay Iran Baštan (Religions of Ancient Iran)*, Translated by Seyf al-Din Najm Abadi, Kerman: Shahid Bahonar University of Kerman. [in Farsi]
- Parpola, A. 2015. *The Roots of Hinduism: The Early Aryans and the Indus Civilization*, New York: Oxford University Press.
- Pokorny, J. 1887. *Indogermanisches etymologisches Wörterbuch*, vol. 2, Bern: Francke.

- Radner, K. 2013. "Assyria and the Medes", in: D. T. Potts (Ed.), *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, Oxford, pp. 442-456.
- Rigveda 10, In: *Four Vedas*, English trans. available at (2022): <http://hinduonline.co/DigitalLibrary/SmallBooks/FourVedasEng.pdf>
- Sarianidi, V. I. 1998. *Margiana and Protozoroastrism*, Athens: [L.et.n.].
- Sarianidi, V. I. 2005. *Gonur-Depe. Turkmenistan. City of Kings and Gods*, Ashgabat: [L.et.n.].
- Sarianidi, V. I. 2010. *Zadolgo do Zaratuštry/ Long before Zaratushra*, Moscow: [L.et.n.].
- Sharp, Ralph Norman. 2005. *Farman-hay Shahanshahan Hakhmaneshi (The Inscriptions in old Persian cuneiform of the Achaemenid Emperors)*, Tehran: Pazineh, Second Edition. [in Farsi]
- Shenkar, M. 2006. "Temple Architecture in the Iranian World before the Macedonian", *Iran and Caucasus*, no. 11, pp. 169-194.
- Starr, I. 1990. *State Archives of Assyria, Queries to the Sun-god, Divination and Politics in Sargonid Assyria*, vol. IV, Helsinki: Helsinki University Press.
- Stronach, D. 1968. "Nush-i Jan Tepe: a Mound in Media", *Journal of the Metropolitan Museum of Art*, no. 28, pp. 77-88.
- Stronach, D. 1978. "Excavations at Tepe Nush-i Jan", *Journal of the British Institute of Persian Studies*, no. 16, pp. 1-28.
- Suzini, Francois; Henschmidt, Clarice; Melbourne-Laba, Florence. 2008. *Sang Nebeshteh Dariyush Bozorg dar Bišton, Eylami-Hakhmaneshi (The Inscription of Darius the Great in Bišton, Elamite-Achaemenid)*, Translated by Dariyush Akbarzadeh, Tehran: Pazineh. [in Farsi]
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1974. *Tarikh Tabari (The History of al-Tabari)*, Translated by Abolghasem Payandeh, Tehran: Iranian Culture Foundation, vol. 2. [in Farsi]
- Tadmor, H.; Yamada, S. 2011. *The Royal Inscriptions of Tiglat-Pileser III (744-727 BC) and Shalmaneser V (726- 722 BC)*, vol. 1. Winona Lake: Eisenbrauns.

- Tavernier, J. 2007. *Iranica in the Achaemenid Period (ca. 550-330 B.C.)*, Leuven: Peeters Publishers & Department of Oriental Studies.
- Thureau-Dangin, F. 1912. *Une relation de la huitième campagne de Sargon*, Paris: Musée du Louvre.
- Torah: The Bible. 1895. Translated by Robert Bruce and Karapet Ohans, Tehran: Author. [in Farsi]
- Ungnad, A. 1943. "Ahura-Mazdâda und Mithra in Assyrischen Texts?" *Orientalistische Literaturzeitung*, no. 46, pp. 193-201.
- Weiershäuser, F.; Novotny, J. 2020. *The Royal Inscriptions of Amēl-Marduk (561–560 BC), Neriglissar (559–556 BC), and Nabonidus (555–539 BC), Kings of Babylon, Royal inscriptions of the neo-Babylonian Empire, vol. 2*, Philadelphia: University of Pennsylvania Press
- Zadok, R. 2002. *The Ethno-linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period*, Tel Aviv: Archaeological Center Publications.
- Zaehner, Robert Charles. 2005. *Tolu wa Ghorub Zartoshtigari (The Dawn and Twilight of Zoroastrianism)*, Translated by Teymur Ghaderi, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Zarrinkub, Ruzbeh. 2008. "Bonyangozari Ettehad Mad-ha wa Ahamiyat Manbashenasi An (The Foundation of the Union of the Medes and the Importance of Its Sourceology)", in: *Journal of Faculty of Literature and Human Sciences (Tehran)*, yr. 59, no. 185, pp. 99-112. [in Farsi]